

نویسنده در مقدمه هدف از تألیف چنین کتابی را مطالعه و شناخت علم نظری موسیقی قدیم ایران و ارتباط آن با موسیقی ردیف‌دستگاهی کنونی می‌داند و در نهایت بر آن است تا با دستیابی به چنین اصولی بتوان پایه و سنگ بنای نظری موسیقی آینده را بنیاد نهاد.

فصل دوم کتاب شامل اقسام دستان‌بندی یا پرده می‌باشد. در ابتدا به شرح دستان‌ها و نحوه تعیین و تبیین دستان‌بندی پرداخته می‌شود که در تشریح و تفسیر دستان‌بندی به ۴ روش اشاره شده است. اولین روش تقسیم‌بندی پیشنهادی فارابی است و بعد از آن تقسیم دستان به روش صفی‌الدین و سپس روش پیشنهادی احمدکاشانی و عبدالقادر مراغی و محمد معمار (بنایی) و در آخر تقسیم دستان ردیف مطرح می‌شود.

بنا به نظر مؤلف تقسیم دستان موسیقی دستگاهی (ردیف)، روش صفی‌الدین-مراغی می‌باشد و این روش می‌تواند در زمینه بررسی علم نظری موسیقی ردیف کاربرد داشته باشد.

در فصل سوم تعریف و بررسی ابعاد ملایم و متنافر مطرح می‌شود، تقسیم ابعاد به سه قسم اعلی، اوسط و ادنا صورت می‌گیرد. این ابعاد در ۹ گونه خلاصه می‌گردند که عبارتند از: بعد ذی‌الکل، بعد ذی‌الکل مرتین، بعد ذی‌الکل و ذی‌الکلمس، بعد ذی‌الکل و ذی‌الاربع، بعد ذی‌الکلمس، بعد ذی‌الکلمس و بعد بقیه.

مؤلف در این بخش بنا بر نظریه صفی‌الدین مبنی بر اسباب تنافر ابعاد به بررسی علل چهارگانه‌ای می‌پردازد که سبب تنافر می‌شوند.

فصل چهارم کتاب به تألیف انواع ملایمت‌ها پرداخته شده است. مؤلف ضمن برشمردن ابعاد هفتگانه بعد ذی‌الاربع و ابعاد سیزده‌گانه بعد ذی‌الکلمس که توسط صفی‌الدین تبیین گردیده به تقسیم ابعاد ۵ گانه بعد ذی‌الاربع و ذی‌الکلمس در موسیقی دستگاهی نیز می‌پردازد.

در فصل پنجم اقسام بحور دایره اول عشاق بیان می‌شود.

عنوان فصل ششم کتاب «در حکم وترها و طریقه کوک کردن آنها» می‌باشد، که به بررسی و نام‌گذاری وترهای موجود در سازهایی چون دوتار، سه‌تار، عود قدیم، عود کامل (دارای پنج وتر) و همچنین سازهای کنونی موسیقی دستگاهی چون تار، سنتور، نی، کمانچه پرداخته شده است.

صفی‌الدین ارموی در کتاب مشهور خود به نام

الادوار از ضرب ۷ نوع ملایم بعد ذی‌الاربع در ۱۲ نوع ملایم بعد ذی‌الکلمس به ۸۴ دور دست پیدا می‌کند که بر اساس این ادوار به دست آمده ۱۲ مقام، ۶ آواز و ۲۴ شعبه را مطرح می‌کند. که در فصل هشتم کتاب این مقامات، آوازاها و شعبات با ذکر نام و مشخصات مورد بررسی قرار می‌گیرند، و در پایان فصل ادوار مشهوری که در ردیف به کار رفته معرفی می‌گردد و هفت دستگاه و پنج آواز موسیقی ردیف دستگاهی با ذکر فواصل و انطباق آن با ادوار مشهور و همچنین ذکر اسامی گوشه‌ها مطرح می‌شود.

علت تطبیق و اشتراک نغمات ادوار گذشته با دستگاه‌های موسیقی کنونی در فصل هشتم پیگیری می‌شود. در واقع در این فصل ارتباط دستگاه‌های مختلف موسیقی با شرایط زمانی و مکانی مناسب، شرح و تفسیر می‌شود.

آقای کیانی در فصل بعد در بیان طبقات ادوار و دستگاه‌ها به دسته‌بندی و تبیین طبقات پرده عشاق و دستگاه ماهر می‌پردازد.

در فصل دهم که شاید بتوان آن را جمع جمیع چند کتاب ارزنده ادوار صفی‌الدین، شرح ادوار مراغی و رساله در موسیقی بنایی و کاشی دانست، به تعریف ایقاع و همچنین انواع ازمه ایقاعی و شرح و توصیف ادوار ایقاعی مشهور پرداخته شده است. مؤلف با تقسیم اصول ایقاع به سه دسته ثقال، رمال و فواخت به شرح زیر مجموعه‌های هریک از سه‌گانه‌های فوق‌الذکر، طی یک جدول بندی مرتب و منظم پرداخته است.

در فصل یازدهم، معرفی و شرح اقسام هفده‌گانه آهنگهای موزون که متأثر و مقرون از ادوار ایقاعی هستند نگاشته شده که از آن دسته‌اند: پیشرو، صوت (راهوی)، نقش، عمل، بسیط، غزل، کل نغمه‌ها، کل ضرب‌ها، کلیات، ریخته، نشید و ...

فصل دوازدهم در باب نغمه‌نگاری است. نغمه‌نگاری برای اولین بار توسط صفی‌الدین ارموی به کار گرفته شد و بعد از او کسانی چون قطب‌الدین شیرازی و عبدالقادر مراغی از این روش در آثار خود بهره گرفتند. مؤلف جهت تشریح بهتر این مبحث به ذکر سه نمونه از نغمه‌نگاری که به وسیله عبدالقادر مراغی انجام گرفته می‌پردازد. البته مؤلف در پایان یادآور می‌شود که موسیقی ایرانی بر اساس تکنوازی و بدیهه‌سرایی و تابع شرایط زمانی و مکانی می‌باشد و در نتیجه به نظر می‌رسد نیاز چندانی به ثبت و یا اجرای از روی آنها نیست.

علم نظری موسیقی قدیم ایران

کیوان کیانمهر

مبانی نظری موسیقی ایران

مبانی نظری موسیقی ایران

مجید کیانی

انتشارات سروستا

مجید کیانی

دوازدهگانه صفی الدین می‌کند و همچنین هر فصل دارای زیرمجموعه‌هایی است که با حروف ابجد تفکیک گردیده می‌باشد که شمارش این زیرفصل‌ها بیانگر عدد ۲۴ می‌باشد که خود برگرفته از تقسیم‌بندی شعبات ۲۴ گانه صفی الدین است.

پیش‌گفتار با گریزی ایجازگونه به تاریخ موسیقی قدیم ایران از قبل از اسلام تاکنون می‌پردازد. با توجه به تقسیم‌بندی زمانی ابتدا از اولین آثار مکتوب به جامانده یعنی «کتاب موسیقی الکبیر» تألیف ابونصر محمدبن طرخان فارابی نام برده می‌شود. و سپس از «بوزجانی»، «احمدخوارزمی»، «رسائل اخوان الصفا»، «ابوعلی سینا»، «محمدالجوزجانی»، «صفی‌الدین ارموی»، «قطب‌الدین شیرازی»، «محمدآملی»، «حسن‌کاشانی»، «علی جرجانی»، «عبدالقادر مراغی»، «محمد معمار بنایی»، «احمد کاشانی» و «فرصت شیرازی» نام برده می‌شود و در ادامه اشاره به نویسندگان و موسیقی‌دانان عصر کنونی می‌شود.

از انتشار کتاب مبانی نظری موسیقی ایران تألیف استاد مجید کیانی بیش از ۶ سال می‌گذرد و متأسفانه در این سالیان به دلایل مختلف هیچ معرفی و نقدی بر این کتاب نوشته نشده است. هنگامی که احساس کردم جهت شناخت بهتر موسیقی گذشته باید به آثار پیشینیان مراجعه کنم، این آثار را در عین صلابت و پرمغزی به دلیل ضعف تخصصی کمی دشوار و پیچیده یافتم. پس از جست‌وجو در آثار نویسندگان معاصر که به شرح و تفسیر در آثار گذشتگان پرداخته‌اند، کتاب مبانی موسیقی را بسیار کارساز دیدم. شاید این ناشی از آموزشی بودن کتاب باشد که مؤلف خود در ابتدا به آن اشاره کرده است. از طرفی هنگامی که از همت کتاب ماه هنر بر انتشار ویژه‌نامه‌ای در مورد صفی‌الدین با خبر شدم وقت را غنیمت شمردم تا جبران قصور کرده باشم.

این کتاب به دوازده فصل تقسیم‌بندی شده است که به نظر می‌رسد این حکایت از تقسیم مقامات